irannewspaper.ir

دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۳ • سال سی و یکم • شماره ۸۶۸۰
• اذان ظهر ۱۲/۱۸ • اذان مغرب ۱۸/۰۷ • نیمه شب شرعی ۲۳/۳۶ • اذان صبح فردا ۰۵/۲۴ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۴۸

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

• **مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

سخن روز

امام رضا (ع):
هر کس اندوه مؤمنی را بزداید، خداوند در روز قیامت، غم از دلش می زداید.

الکافی، ج ۲، ص ۲۰۰

هنرمند باید مردم عادی را تحت تأثیر قرار دهد

نقل قول

راضی نگاه داشتن مخاطب عام قطعاً هدف یک هنرمند نیست. هستند هنرمندانی که به صورت معمول و عادی کار می کنند و برای‌شان تأثیر روی افکار عمومی هم مهم نیست. هنرمندان واقعی در پله‌های بالایی قرار می گیرند و اعتقاد دارند مردم را باید همراه خود کنند. البته من کار کردن برای خواص را هم نمی‌پسندم و اعتقاد دارم یک هنرمند باید مانند موجی باشد که تمام مسائل پیرامونش را نیز به حرکت درمی‌آورد. هنرمند باید مردم عادی را تحت تأثیر قرار دهد، باید برای مردم خوراکی را به وجود آورد که آن را از لحاظ فکری بفهمند و در زندگی روزمره به آن دسترسی نداشته باشند؛ یعنی ایجاد لایه‌های بین قوه فهم و تفکر مردم که می‌تواند چیز جدیدی را برای آنها به وجود بیاورد. هنرمند زمانی به وظیفه خود عمل می کند که پرده‌ای را از میان دیدگان مردم بردارد.

گزیده‌ای از سخنان «شهرام ناظری»
خواننده پیشکسوت موسیقی به بهانه زادروزش

دورخیز بونگ جون-هو برای مینی‌سریال «انگل»

سال ۲۰۲۰ اعلام شد که مینی‌سریالی برگرفته از فیلم ستایش شده «انگل» ساخته بونگ جون-هو در شبکه اچ‌بی‌او به تولید می‌رسد و مارک رافلو ستاره اصلی سریال خواهد بود. اما از آن به بعد هیچ خبری از این مینی‌سریال منتشر نشد. کارگردان کره‌ای، بونگ جون-هو در مصاحبه اخیرش می‌گوید که این مینی‌سریال تولید خواهد شد و خبرهای تازه‌ای از شرایط تولیدش ارائه می‌دهد: «نویسندگان سخت مشغول نگارش فیلمنامه هستند. حتی ماجراهای اتاق نویسندگی فیلمنامه خودش به تنهایی می‌تواند تبدیل به یک سریال تلویزیونی شود.»/ **دنیای تصویر**

واکنش رضا کیانیان به یک اظهارنظر درباره مهاجرت نخبگان

ابراهیم قدیری ابیانه، سفیر سابق ایران در مکزیک چندی پیش در میزگردی سخنانی درباره مهاجرات نخبگان مطرح کرد که بازتاب قابل توجهی در فضای مجازی داشت و به تازگی واکنش رضا کیانیان را هم در پی داشته است. این فعال سیاسی در بخشی از صحبت‌هایش گفته بود: «مغزهایی که گفته می‌شود از کشور مهاجرت کردند، دارند توالت و ظرف می‌شورند». رضا کیانیان این اظهارنظر را در استوری اینستاگرامش بازنشر کرده و نوشته است: «ادب مرد، به ز دولت اوست.»

تحسین کمال تبریزی از «پیر پسر»

کمال تبریزی از اعضای هیأت داوری چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر به تازگی در گفت‌وگویی تمام قد از «پیر پسر» اکتای براهنی دفاع کرده و گفته: «اگر این فیلم وارد بخش مسابقه شده بود با همین هیأت داوری تمام جوایز مهم شامل جایزه کارگردانی، جایزه‌های بازیگری، تدوین، فیلمبرداری و طراحی صحنه همه متعلق به «پیر پسر» بود. بنابراین نباید گفت که هیأت داوری جسارت نداشت بلکه باید گفت فیلمی وجود نداشت که داورها بخواهند جسارت نشان دهند و اغلب جایزه‌های مهم را به یک فیلم بدهند.»

نگاره — **سبکبالی، راه پرواز است**

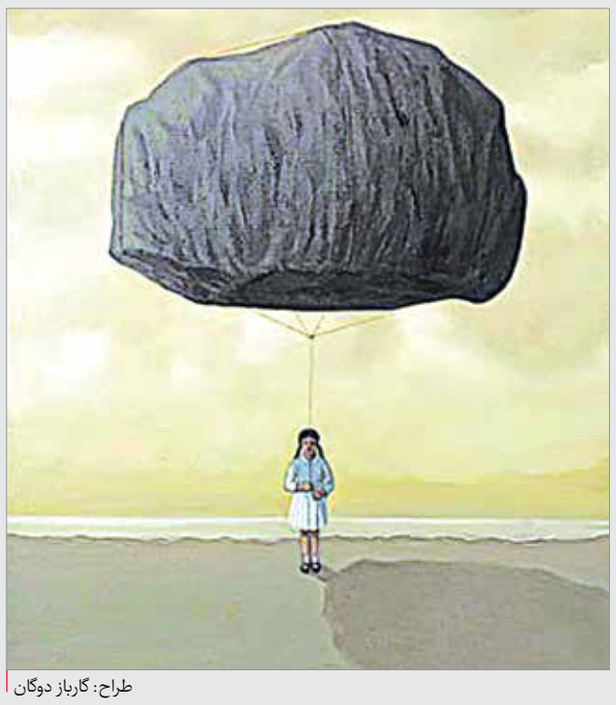

طراح: گارباز دوگان

دیالوگ

این تاریکی... تاریکی بیرونی نیست که از آن می‌ترسم... تاریکی درونی و عاطفی ماست... در آن‌جا، خلأیی وجود دارد که در آن نه می‌توان گریه کرد و نه دندان برهم سایید. فقط سکوت است... یک سکوت مطلق.

خرمگس، اتل لیلیان وینیچ

یادداشت ادبی

جنوب را باید زندگی کرد!

ابراهیم حسن بیگی
دبیر سومین جشنواره ملی داستان کوتاه جنوب

جنوب ایران بی‌شک، یکی از زیست بوم‌های خاص و متفاوت با سایر اقلیم‌های ایران است. اینکه می‌گویند جنوب را باید زندگی کرد در واقع باید زندگی را جنوبی کرد و جنوبی زیست و جنوبی گرمای وجود را به آب و آسمان و خورشید و خاک بخشید. جنوب را می‌توان داستان کرد و داستان را جنوب. می‌توان جنوب را زندگی کرد و نوشت. گاهی به کوتاهی داستانی کوتاه و گاهی به بلندی رمانی بلند مرتبه.

چه بزرگ‌مردان و زنانی که جنوب را زندگی کرده‌اند و نوشته‌اند. جنوب کلمه شده است و کلمه جنوب. می‌توان در جنوب نزیست اما زیستنش را نوشت. می‌توان مهربانی و سادگی مردمانش را با کلمه به تصویر کشید و نارنجی آفتاب عصرگاهی‌اش را در پهنه دریایش با ابر و مه و شرجی هوایش در هم آمیخت و طعم تند طعامش را مزه کرد و نوشت و از جنوب ادبیاتی ساخت داستانی و همه ظرافت‌ها و زمختی‌هایش را به تصویر کشید. جشنواره ملی داستان کوتاه جنوب قصد دارد زیست بوم جنوب را با همه تاریخ و جغرافیا و زنان و مردان سخت کوشش میهمان داستان کوتاه کند. در این جشنواره قرار است نویسنده‌ها جنوب را زندگی کنند و زندگی را جنوبی.

سال‌ها بود که ادبیات داستانی ما مزه جنوب را نچشیده بود. پیش از آن جنوب سرآمد داستان‌ها و رمان‌های ایرانی بود. بزرگ نویسندگان ایرانی چون احمد محمود و غلامحسین ساعدی و منیرو روانی‌پور و... رمان‌های خود را وامدار جنوب می‌دانستند و جنوب نیز اثر بخشی خود را در قلب مردم ایران، مدیون رمان‌ها و داستان‌های کوتاه و بلند این نویسندگان.

ما در سازمان منطقه آزاد کیش بر آن شدیم تا داستان سرافراز جنوب را از مغاک خاک بیرون افکنیم و غبار فراموشی را بزداییم و هم پرچم جنوب را در ادبیات داستانی به جنبش وا داریم. لازمه احیای ادبیات جنوب به همتی نیاز داشت که این مهم با همت سازمانی که کارش اقتصاد و تجارت و گردشگری بود نه احیای فرهنگ خاک آلوده جنوب، میسر شد و جشنواره ملی داستان کوتاه جنوب شکل گرفت و به سر منزل سوم خود رسید. و کتاب‌های «کلبه هور» و «مردان غروب» گنجینه‌ای شد از آن دو دوره که ده‌ها داستان برگزیده از خطه جنوب را در خود جای داده است و چه بسیار داستان نویسان جوان را نیز به ادامه نوشتن و پیمودن راه تشویق و ترغیب کرده است.

سومین گام بر خاک تفتیده و زرخیز جنوب، یعنی سومین شروع خوب. یعنی سومین نشت نفت از جنس فرهنگ و ادبیات. ما این بار جنوب را میهمان نویسندگان نمی‌کنیم بلکه نویسندگان را به جنوبی می‌بریم که از خرمنگاه هایش بگذرند و از آب‌های نیلگون خلیج فارسش ماهی بگیرند. ما می‌خواهیم به نویسندگان ماهیگیری در جنوب را یاد بدهیم.

شاهپور عظیمی، نویسنده و مترجم سینمایی در ۶۱ سالگی درگذشت

منتقد زندگی اندیش هم رفت

یادبود

فرهنگی/ «آدمی به امید زنده است، هرچند به قول شخصیت رد در رستگاری درشاوشنگ؛ امید چیز خطرناکی است» این جمله که عبارت پایانی یکی از آخرین گفت‌وگوهای رسانه‌ای‌اش است را وقتی در کنار خبر درگذشتش آن هم در روزی که قرار بود از بیمارستان مرخص شود، قرار می‌دهیم انگار به یک پیشگویی زودهنگام برای ۲۸ بهمن ماه می‌رسیم؛ روزی که برای علاقه‌مندان جدی سینما و اهالی رسانه با خبر تلخ رفتن‌اش آغاز شد؛ شاهپور عظیمی منتقد و مترجم سینما در ۶۱ سالگی درگذشت. آن طور که جعفر گودرزی رئیس انجمن منتقدان و نویسندگان سینما خبر داده او به دلیل گرفتگی رگ‌های قلب هفته گذشته در بیمارستان بستری شده بود و قرار بود در همین روز از بیمارستان مرخص شود اما سحرگاه یکشنبه پیش از آن که امیدواری‌ها برای مرخصی کوتاه‌مدتش از بیمارستان برای آمادگی جراحی قلب قوت بگیرد، خبر تلخ رفتن‌اش تیتر رسانه‌های خبری شد. شاهپور عظیمی یا طبق اشتباه مصطلح رسانه‌ای شاپور عظیمی از ترجمه به نوشتن نقد رسید. سال ۱۳۷۲ کارش را با ترجمه مطالب سینمایی در روزنامه ابرار شروع کرد. بعدها به‌تدریج شروع کرد به نوشتن، به‌ویژه در مورد سینمای ایران و سینمای جهان. تا اینکه اولین کتاب سینمایی‌اش با نام «عناصر ساختاری سینمای هیچکاک» در ۱۳۷۸ منتشر شد. نقد سینمای ایران و جهان از همان ابتدا برایش جدی بود و جدی ماند. گرچه همچون اغلب سینمایی‌نویسان ترجیح داد به نقد سینمای ایران در مجلات معتبری چون ماهنامه فیلم بسنده کند و برای رسانه‌ها از جمله روزنامه ایران در قالب یادداشت شفاهی از سینمای ایران بگوید. او از جمله منتقدانی بود که همانقدر با اهالی سینما انس و الفت داشت با اهالی کتاب هم حشر و نشر داشت. اهل مطالعه بود و دامنه گسترده اطلاعاتش در حوزه روانشناسی، جامعه‌شناسی و فلسفه، نوشته‌های سینمایی‌اش را مبتنی بر نقد بین حوزه‌ای می‌کرد، چرا که معتقد بود همه چیز این جهان به هم ربط دارد. با وجود این در ترجمه رویکردش تسهیل و تفهیم مطالب برای مخاطب بود و به گفته خودش اگر در متنی سینمایی متوجه کلیت مطلب یا پاراگرافی نمی‌شد، سعی می‌کرد آن را به شکل قابل فهم ترجمه کند یا از خیر ترجمه آن بگذرد. در عین حال مطالعه را نه تفنن می‌دانست و نه عاملی برای به رخ کشیدن اطلاعات. این ویژگی عاری از تفرعن و تکبر از شاخصه‌های گفتار، نوشتار و حتی رفتار این منتقد باسواد سینما بود. از جمله کتاب‌های ترجمه شاه‌پور عظیمی می‌توان به «اصول اساسی کارگردانی سینما»، «فیلمنامه‌نویسی در قرن ۲۱»، «روانشناسی و زیبایی‌شناسی سینما» و... اشاره کرد.

> شاهپور عظیمی، از جمله منتقدانی بود که همانقدر با اهالی سینما انس و الفت داشت با اهالی کتاب هم حشر و نشر داشت. اهل مطالعه بود و دامنه گسترده اطلاعاتش در حوزه روانشناسی، جامعه‌شناسی و فلسفه، نوشته‌های سینمایی‌اش را مبتنی بر نقد بین حوزه‌ای می‌کرد، چرا که معتقد بود همه چیز این جهان به هم ربط دارد

درگذشت شاهپور عظیمی که نه تمنای دیده شدن داشت و نه ارتباط در فضای مجازی را خیلی جدی می‌گرفت، او را در یکشنبه پایانی بهمن ماه به چهره مشترک صفحات شخصی منتقدان سینما در شبکه‌های اجتماعی بدل کرد و همکاران رسانه‌ای او از دیدگاه‌های سینمایی‌اش تا نگاه خیام‌وارش به زندگی نوشتند. هوشنگ گلمکانی که سال‌های سابقه همکاری با شاهپور عظیمی را دارد، در صفحه اینستاگرامش نوشت: «کمتر از یک ماه پیش در جریان مراسمی در حیاط خانه سینما خیلی گپ زدیم و مثل همیشه اعلام خطر کردم، توصیه کردم اضافه‌وزنش را جدی بگیرد، مواظب سیگار کشیدن افراطی‌اش باشد، و گفتم وقتی روی مبل جا نمی‌شوی که بنشینی، اینها همه علامت خطر است. رگ و پی حساس آدمی تاب این جسم سنگین را ندارد. عاقبتِ لوون هفتوان را به یادش آوردم... اما شاهپور همیشه نگاه خیام‌وارش را داشت و با زندگی یله و رها، قیدوبندها را به هیچ می‌گرفت و چیزهایی را که برای دیگران اهمیت داشت ناچیز می‌شمرد. البته فقط یک حساسیت داشت: اصرار داشت که اسمش «شاهپور» است نه شاپور. این گوشه‌ای از شناخت من از سال‌های همکاری نزدیک و سال‌های بیشتری ارتباط دورادور با اوست. اما واقعاً کسی چه می‌داند درون آدم‌ها چه می‌گذرد. دیشب یا سحرگاه امروز در شصت‌ویک سالگی رفت. نمونه هزاران و بلکه میلیون‌ها آدمی که در این روزگار نکبت، جایگاه و موقعیت درخورشان را پیدا نمی‌کنند. چندین کتاب ترجمه از خود باقی گذاشت به اضافه ده‌ها نوشته و نقد و مقاله.»

مهرزاد دانش از دیگر همکاران او در کانال تلگرامی‌اش نوشته است: «نمی دانم از کجا و کی روال شد که به شاپور عظیمی بگوییم حکیم. اما هر کس که آن را اولین بار روال کرد دمش گرم. شاپور، حکیم بود. نکته‌هایش درباره سینما، آدم‌ها و جهان هستی اگرچه گاه پوسته‌ای از طنازی داشت، ولی به شکلی خیام‌وار، هزل و هجوی به سست‌بنیادی اوضاع و احوال درون و پیرامون بود. با آن که سواد سینمایی و ادبی بالایی داشت (ترجمه‌های خوبش از طیف متنوعی از متون تئوریک، آموزشی، پژوهشی، داستان، جستار، ادبیات و... دلالت بر همین گستره بینش و دانشش داشت؛ از کتاب دشوار «معناسازی استنتاج و بلاغت در تفسیر سینما» اثر دیوید بوردول گرفته تا «الهامات معنوی در سینما» نوشته استیفن سایمون)، اما چنان بی‌غل‌وغش و صمیمی و عاری از تکبر و تفرعن بود که حتی در همان اولین لحظات آشنایی و همنشینی، دلت برای نازنین بودنش غنج می‌زد و مشتاق بودی مدت‌ها در محضرش بنشینی و حکمت بشنوی؛ ولو آن که در مواردی، مثل علاقه و شیفتگی به سینمای هند، با او هم‌نظر هم نباشی. برخلاف ظاهر پرهیبتی که در اندام و سبیل و محاسن داشت، دلی نازک همچون شیشه در قفسه سینه‌اش می‌تپید، بس احساسی بود و گاه که از برخی علائقش حرف می‌زد، نمناکی چشمانش به بغض گلویش می‌رسید. تکیه کلامش درباره چیزهایی که دوست داشت این بود که «آن را هستم» و این آن، می‌توانست یک فیلم، یک کتاب، یک موقعیت، یک مفهوم، یک دیالوگ و یک آدم باشد. یک بار سر فیلمی با موضوع عاشورا که داشتیم با هم حرف می‌زدیم، ضعف‌های فیلم را برایش برمی‌شمردم. افاضاتم که تمام شد نگاهی پرمهر بهم انداخت و گفت: «مهرزاد این‌هایی که گفتی درست ولی من امام حسین را هستم.» با همین «هستم» و «نیستم»هایش، درباره مطالبت هم مشفقانه نظر می‌داد؛ آن‌سان که از تعاریفش بسی خوشحال می‌شدی و از انتقاداتش هم حتی ذره‌ای کدورت به دل نمی‌گرفتی چون می‌دانستی هر چه می‌گوید، از عشق به سینماست. جدا از وجهه منتقد و مترجم، یک سینه‌فیل تمام‌عیار بود. می‌توانست یک نفس فصل‌هایی ممتد از دیالوگ‌های هامون و سوته‌دلان را از بر با همان لحنی که بازیگران‌شان می‌گفتند بی‌هیچ لکنت بگوید و مسحور حافظه و بیان و عشقش سازد. آقای شاپور عظیمی عزیز، حکیم نازنین! در هر محفل سینمایی، از تحریریه مجله فیلم گرفته تا سالن سینمای جشنواره، یادت زنده است. تو را بودیم و هستیم.»

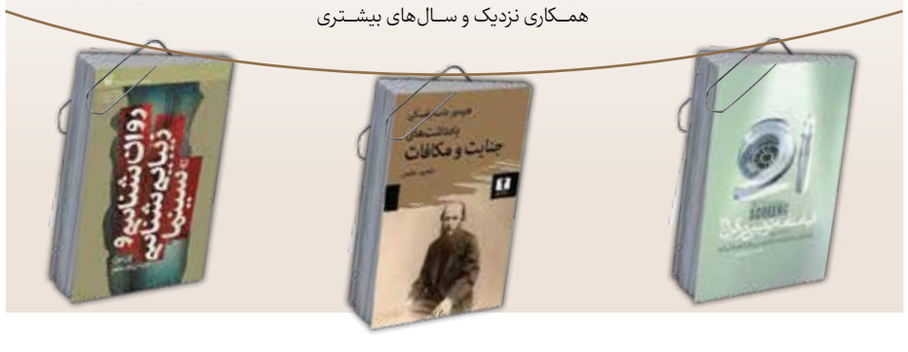

پیشخوان فرهنگی

ادبیات و هویت فرهنگی

در دنیایی که ادبیات و تاریخ در هم تنیده‌اند، رمانی ظهور کرده است که نه تنها داستان یک نویسنده، بلکه تصویری از تحولات فرهنگی و اجتماعی قرن بیستم را به نمایش می‌گذارد. رمان «تماماً مدرن‌ها» اثر مشهور «ژروم مزو»، با ترجمه روان اصغر نوری، سفری است به اعماق ادبیات فرانسوی‌زبان و تأثیر آن بر جوامع مختلف. این رمان، که بر اساس تحقیقات گسترده مزو درباره نویسندگان فرانسوی‌زبان سوئیسی شکل گرفته، به بررسی چگونگی تأثیر ادبیات بر شکل‌گیری هویت فرهنگی می‌پردازد. داستان حول محور نویسنده‌ای می‌چرخد که درگیر کشف و شناخت ادبیات فرانکوفون است؛ ادبیاتی که ریشه در فرانسه دارد، اما در نقاط دیگر جهان، از جمله سوئیس، به شکلی خاص و منحصربه‌فرد تجلی یافته است. مزو با استفاده از ساختاری خلاقانه و غیرخطی، قطعات داستان را همچون تکه‌های پازل در کنار هم قرار می‌دهد. «تماماً مدرن‌ها» نه تنها رمانی درباره ادبیات، بلکه کاوشی است در تاریخ، فرهنگ و هویت. مزو در این رمان توجهی ویژه نیز به تغییرات اجتماعی و سیاسی کشورش نشان داده و تصویری واقعی و متفاوت عکس‌های کارت‌پستالی را از سوییس دربرابر خواننده می‌گذارد. اصغر نوری، مترجم سرشناس ادبیات فرانسه، این امکان را برای خوانندگان فارسی‌زبان فراهم کرده است تا از ظرافت‌های اندیشه‌های مطرح‌شده در رمان لذت ببرند. این رمان از سوی نشر افق روانه کتابفروشی‌ها شده است.

سریالی پرچهره با داستانی پرحاشیه

سریال «آبان» به کارگردانی رضا دادویی یکی از جدیدترین سریال‌های شبکه نمایش خانگی است که شاهد پخش هفتگی آن از پلتفرم شیدا هستیم؛ سریالی که از همین ابتدا موفق به جلب نظر مخاطبان بسیاری شده است.

این سریال روایتگر ماجرای زندگی آبان، جوان نخبه‌ای است که در زمینه هوش مصنوعی فعالیت می‌کند و موفق به طراحی الگوریتمی برای سرمایه‌گذاری و کسب سود در بازارهای مالی جهانی شده است. هرچند که در نیمه راه با سرمایه‌گذارش به مشکل برمی‌خورد و ناچار به پرداخت بدهی چند میلیاردی می‌شود. چالش‌هایی که آبان دراین مسیر با آنها دست و پنجه نرم می‌کند و تلاش برای عبور از آنها از جمله عواملی است که سبب جذابیت بیشتر این سریال شده است. در این سریال بازیگران شناخته شده‌ای همچون شهاب حسینی، امین حیایی، لاله مرزبان، مینا ساداتی، بهاره کیان‌افشار و رضا اخلاقی راد به ایفای نقش پرداخته‌اند. هرچند که سریال به رغم برخورداری از حضور چهره‌های مطرح سینمایی، از همین ابتدا با نقدهایی نیز روبه‌رو شده است؛ از جمله آنکه برخی منتقدان فیلمنامه آن را کلیشه‌ای و قابل پیش‌بینی دانسته‌اند، در عین حال برخی نیز با نگاهی تحسین‌آمیز به برخی بازی‌های آن پرداخته‌اند.

تأملی برامید و ناامیدی

نمایش «مغازه خودکشی» با اقتباسی از رمان مشهور ژان تولی و به کارگردانی احسان کرم‌ویسی، اثری متفاوت و چالش‌برانگیز است که برای تماشای آن در سالن شماره ۱ عمارت تنها یک روز دیگر فرصت دارید؛ البته در صورتی که اجرای آن تمدید نشود. داستان این نمایش که در گونه کمدی سیاه است در شهری می‌گذرد که مردم آن از زندگی خود ناراضی‌اند و تنها راه رهایی را خودکشی می‌دانند. احسان کرم‌ویسی با کارگردانی و بازی‌های روان بازیگران این نمایش موفق به خلق فضایی جذاب و در عین حال تلخ شده است؛ آنچنان که تماشاگران را هم به خنده و هم به گریه وا می‌دارد. این نمایش با طرح سؤالاتی درباره زندگی، امید و ناامیدی، تماشاگران را به چالش می‌کشد. اگر به تئاترهای متفاوت و چالش‌برانگیز علاقه دارید، تماشای این نمایش را از دست ندهید. داوود گراوند، مهتاب کیوان جو، آرزو صراف رضائی، رضا همتی، یگانه واقفی، هدیه درویشی، آرزو اکبری، علی حقگو دریاکناری، حمیدرضا اسفندیاریان و عرفان شاهرخی‌پور بازیگران این نمایش هستند.